

مقاله پژوهشی: شناسایی و بازخوانی مستندات «حق بر مقاومت»

در پرتو تحلیل ادله و مستندات شرعی

محمد زبده^۱، محمدرضا حسینی^۲، سیدامیرمحمد ابوترابی^۳، علی محمدیان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

چکیده

امروزه اهمیت فرهنگ مقاومت در مواجهه عمومی مردم با مسائل روز و شکست توطئه‌های دشمنان بیش از پیش برجسته شده و نقش محوری یافته است. لذا یکی از ضرورت‌هایی که در عصر حاضر مطرح است، بازخوانی مستندات این مقوله در راستای آشکارسازی ظرفیت آن در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی روز است. نوشتار حاضر در پی پاسخ به پرسش مزبور و با هدف شناسایی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت، در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مسئله‌محور، درصدد است با مراجعه به منابع و مکتوبات شرعی، به شناسایی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت بپردازد. رهاورد پژوهش نشان می‌دهد در قرآن کریم آنچه دلالت بر جهاد (چه دفاعی و چه ابتدایی) دارد، می‌توان آنها را در قالب وسیع‌تری تحت عنوان «جهاد ذبی» گنجانده. تتبع در روایات نیز حکایت از آن دارد که از پاره‌ای از اخبار باب می‌توان لزوم «ذب» و دفاع از کيان اسلام و مسلمانان را یک حکم مولوی شرعی قلمداد نمود. افزون بر آنکه حق بر مقاومت مستظهر به موافقت عقلا بوده و «بنای عقلا» می‌تواند در ردیف مستندات شرعی موضوع تلقی گردد. «مقاصد شریعت» و «مذاق شرع» نیز از جمله مؤیداتی هستند که بر مقاومت صحه می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: جهاد ذبی، حق بر مقاومت، دفاع، فقه مقاومت، قرآن کریم، مقاومت.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ مدرس مدعو دانشگاه بزرگمهر قائنات.

^۲ استاد، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). rezahsn88@gmail.com

^۳ مدرس دانشگاه، دبیر گروه حقوق و دیپلماسی، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

^۴ دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران.

نظام فکری اسلامی که سرانجام آن اقدام و رفتار است، مبتنی بر مبانی ایدئولوژیک می‌باشد که آن‌ها را می‌توان از لابه‌لای معارف و آموزه‌های دینی استخراج نمود. یکی از ایدئولوژی‌هایی که در اسلام از اهتمام ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، «مقاومت» نام دارد. آنچه امروزه به سبب اقدامات مجاهدان و مبارزان فلسطینی و در بعد وسیع‌تر جبهه مقاومت بر سر زبان‌ها افتاده است، بررسی ابعاد «فقه مقاومت» و حق‌انگاری آن است. تبعات در منابع استنباط احکام اسلامی نشان می‌دهد شناسایی مقاومت به عنوان یک حق و بالاتر از آن، یک تکلیف الهی یک امر غیرقابل کتمان بوده و پیشینه آن به وسعت تاریخ اسلام است. این ادعا از آن روست که آموزه‌های اسلامی بر حفظ استقلال و موجودیت مسلمانان و ممانعت از نفوذ، تسلط و تجاوز بیگانگان و مستکبران پافشاری دارد (نوریان و سرخیل، ۱۳۹۸، ۲۸۸). چنانکه آیاتی مانند آیه نفی سیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) که در سیاست خارجی حکومت اسلامی بسیار اثرگذار است (کیانخواه، ۱۳۹۹، ۳۸۷)، مدعای نگارندگان را نمایان می‌سازد.

مفهوم «حق بر مقاومت» را می‌توان در خلال مباحثی که قرآن مجید در فرازهای متعدد بر پیامبر اسلام (ص) نازل کرده و ایشان را برای رسیدن به اهدافش امر به مقاومت و پایداری نموده، یا به ایشان رسیدگی به امر مظلومان را به عنوان یک تکلیف الهی معرفی نموده، مشاهده نمود. در بسیاری از آیات خداوند مقاومت را به عنوان ابزاری جهت پیروزی بر دشمن (بقره: ۲۵۱)، دریافت امدادهای الهی (فصلت: ۳۱) و مانند آن قرار داده است. برای مقاومت می‌توان اقسامی را برشمرد که از جمله آن‌ها مقاومت در حفظ اعتقادات است؛ آنچنانکه از آیه ۴۰ سوره مبارکه حج و آیات فراوان دیگر می‌توان این معنا را دریافت نمود. قسم دیگر مقاومت، مربوط به ابعاد اخلاقی است که در آیات ۱۴۶ و ۱۴۸ آل عمران و ۳۰ فصلت بدان اشاره شده است. اما قسم موردنظر، شاخه سوم از مقاومت با عنوان «مقاومت از برای اساس دین» و «لزوم دفاع از مستضعفان و مظلومان» تعریف می‌گردد. پژوهش حاضر با این هدف تدوین شده است که با بررسی مستندات مقاومت، این موضوع را در قالب یک حق مشروع مورد تبیین و شناسایی قرار دهد. از این رو سعی خواهد شد به این سوال که آیا حق بر مقاومت دارای وجهت شرعی است پاسخی مناسب داده شده و مقاصد شریعت در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

ناگفته نماند در اهمیت موضوع باید گفت حق بر مقاومت، یک حق بشری تقریباً پذیرفته شده جهانی محسوب می‌شود؛ لکن دامنه و محتوای آن بحث‌برانگیز باقی مانده است. لذا می‌توان گفت حق مقاومت، بسته به اینکه چگونه تعریف گردد، می‌تواند به انحاء و اشکال گوناگونی در برابر یک دولت ظالم یا متخاصم مورد کاربرد قرار گیرد که پژوهش حاضر درصدد تعیین ویژگی‌ها و بایسته‌های آن از منظر آموزه‌های دینی می‌باشد. براین‌سامان، لازم می‌نماید مستندات شرعی این حق ذاتی بازخوانی شده و مورد

تحلیل قرار گیرد. بعلاوه مواجهه جوامع اسلامی و عموم مردم با توطئه‌های دشمنان، بر اهمیت بحث می-افزاید. از همین روی، ضرورت اتخاذ سیاست راهبردی مستحکم برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها توسط حکومت اسلامی غیرقابل انکار است. این راهبرد مستحکم در زبان قرآن کریم و سیره معصومین (ع) با عنوان مقاومت و مشتقات آن آمده است که پژوهش به تبیین آن می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

مطابق با اهمیت مسئله مقاومت در عصر حاضر، محققان و فقیهان معاصر در صدد تبیین مقاومت و مفاهیم هم راستا با آن برآمده‌اند؛ اما تتبعات نمایانگر آن است که تحقیقی مجزا با محوریت شناسایی ادله و مستندات «حق بر مقاومت» تا کنون به رشته تحریر در نیامده است. با این حال یکی از فقیهان معاصر به تبیین یکی از الگوهای اصلی فقه مقاومت یعنی جهاد ذبی همت گماشته است که در تبیین مستندات آن به برخی ادله‌ای استناد نموده که در شمار مدارک حق بر مقاومت نیز قرار دارد (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۳-۹۱). برخی نیز به پدیده مقاومت در قرآن (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱، ۶۹-۹۷) و در حقوق بین‌الملل (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵، ۸۲۵-۸۵۴) اشاراتی نموده‌اند که شایسته توجه و تقدیر است. اما شناسایی مقاومت به عنوان یک حق و چه‌بسا تکلیف در فقه اسلامی تا به حال موردتفقد واقع نشده است. با وجود این، در تحقیق حاضر نگارندگان برآنند تا به صورت خاص مستندات حق بر مقاومت را مطمح نظر قرار دهند. این امر به سبب ضرورت آن و در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی است.

۱. ادبیات نظری

برای آشنایی با مفاهیم مرتبط با بحث حاضر به ریشه یابی آنها می‌پردازیم تا اشتراکات و افتراقات آنها روشن گردد؛ به همین مناسبت ابتدا به واژه مقاومت و حق پرداخته خواهد شد و پس از آن «جهاد» و «دفاع» تبیین می‌گردد.

۱-۱ حق

از ریشه حَقَّ و ضد باطل است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۶/۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۲/۲۸۶؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۴۶۱/۴). در معنای لغوی آن دو معنا ذکر شده است؛ یکی به معنی استواری و استحکام و سلطنت (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۴۶۱/۴؛ احمدبن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۱۶؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۳/۱۲۹۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۵۵/۱۰) و دیگری به معنی موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۴۶). ابن‌منظور علاوه بر آنکه آن را به معنی استحکام دانسته و شاهد مثال را عبارت «ثوب محقَّق» به معنی بافت محکم آورده، معنای ثبوت را برای حق آورده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۵۵/۱۰). همچنین به عنوان یکی از اسماء یا اوصاف خداوند

می‌باشد؛ چه آن‌که خداوند بذاته و صفاته غیرقابل زوال است (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۶۰/۲)؛ طریحی نیز وجه تسمیه حق به عنوان یکی از اسماء باری تعالی را از آن رو دانسته است که امر او همه حق بوده و باطل در آن راه ندارد (طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴۷/۵)؛ اما قرشی وجه تسمیه را با توجه به آن‌که ذات، اوصاف و افعال خداوند همه حق است و مطابق واقع و در موقع خود است معنا کرده و معنی «مطابقت» برای حق را صحیح دانسته است (طریحی، ۱۴۱۲، ۱۶۰/۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد این حق و مشتقات آن ۲۸۷ مرتبه در قرآن استعمال شده است. در اصطلاح فقهی نیز می‌توان حق را مرادف با معنای لغوی آن به ویژه «سلطنت» دانست؛ چنانکه شیخ انصاری و مرحوم خویی و دیگران از این عبارت در تعاریف خود استفاده نموده‌اند (همدانی، ۱۴۲۰، ۲۵۲؛ خویی، بی‌تا، ۲۱۸/۶). شهید بهشتی معتقد است بنا به یک تعبیر و تفسیر، حق به معنای این است که هر چیزی در جای خود باشد؛ بدین معنا که هر چیزی جایگاهی دارد و در صورتی می‌گوییم چیزی حق است که در جای خود باشد و در صورتی می‌گوییم باطل که در جای خود نباشد و از این حیث اخلاق، حقوق، شرع و سایر امور و موضوعات، با مقوله حق و حقیقت ارتباط پیدا می‌کنند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

۱-۲ مقاومت

از ریشه قَوَم در معانی مانند استواری، راستی، پایداری، راست شدن و راست ایستادن، قرار داشتن در راه راست و بدون گرایش به انحراف پیدا کردن و ایستادن آمده است (زمخسری، ۱۳۹۹، ۵۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۹۲). واژه مقاومت مصدر باب مفاعله و گرفته شده از فعل ثلاثی مجرد «قام» می‌باشد. در ادبیات عرب، صرفیون معنای غالب باب مفاعله را «مشارکت» دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۷۴). بر بنیاد معنای لغوی و استعمال آن در باب مفاعله در تبیین مقاومت، می‌توان آن را مشارکت دست جمعی و گروهی عده‌ای یا تشکیل جبهه واحد به منظور حرکت و دنباله‌روی برای دستیابی به هدفی خاص و مشترک و ایستادگی در مقابل جبهه یا گروه دیگر دانست (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۷). در پژوهش حاضر، با توجه به اینکه مراد نگارندگان از مقام در مفهوم دینی آن و بررسی آن به عنوان یک حق برای مسلمان و جامعه اسلامی است، معنای مورد نظر «ایستادگی در برابر هژمونی استکباری و مشارکت آحاد جامعه اسلامی در این امر می‌باشد». از این رو پارادایم مقاومت را می‌توان به عنوان یک راهبرد در عرصه‌هایی همچون امنیت، اقتصاد، فرهنگ و رویکردهای نظامی مورد بررسی قرار داد. مشتقات این مفهوم در قرآن فراوان یافت می‌گردد. از جمله می‌توان به آیه ۱۱۲ هود «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» و آیه ۶ سوره مبارکه فصلت «فَاسْتَقِمْوْا لِلَّهِ» و آیات دیگری اشعار داشت. سیر در آیات قرآن

نشان می‌دهد خداوند صبر و استقامت را مهم‌ترین دلیل برای پیروزی پیامبر (ص) و یاران ایشان در نبردها معرفی نموده‌است (فیروزجانی و محمدی‌ضیاء، ۱۳۹۹، ۳۶).

۱-۳ جهاد

جهاد به عنوان یکی از احکام عبادی و فروع دین اسلام، از ریشه «جَهَد» به معنای مشقت (احمدبن- فارس، ۱۴۰۴، ۴۸۶/۱) و کوشیدن (غفاری و پاکتچی، ۱۳۹۸، ۱۴۹/۹) و جدیت به خرج دادن برای کاری بکار رفته است (جوهری، ۱۴۱۰، ۴۶۰/۲). جُهَد به ضم فاء الفعل، در لسان اهل حجاز به کار رفته و در السنه دیگر به فتح آن بکار برده شده است (فیومی، بی تا، ۱۱۲/۲؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۲۷/۲)؛ برخی جهد به ضم فاء الفعل را به طاق و به فتح آن را در معنای مشقت معنا کرده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳۰/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۰۷/۴). برخی نیز آن را به هر دو خوانش فتح و ضم به معنی طاق دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۱۰، ۴۶۰/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۱۱۹۵/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳۳/۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۲۷/۲). مصدر جهاد و مجاهده در باب مفاعله بکار رفته و مؤید یک رابطه طرفینی است و با توجه به معنی لغوی آن یعنی کوشش و تلاش، نمایان‌گر رویارویی یک طرف با طرف دیگر است (پاکتچی، ۱۳۸۰، ۴). اصطلاح «جهاد» در تراث فقهی به معنای جان و مال و عرض را در راه اسلام و شعائر دینی فدا کردن معنا شده است (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۳/۲۱). به عبارتی جهاد دربردارنده انواع بذل جان و مال در مسیر اعتلای اسلام و اقامه شعائر دینی است (ابن قدامه، ب تا، ۳۸۵/۱۰). باید از جهاد به عنوان یکی از ابواب اصلی فقه اسلامی نام برد (فیرحی، ۱۳۸۷، ۱۳۲). برای جهاد اقسام مختلفی برشمرده شده است که از جمله آن می‌توان به جهاد «ابتدایی» و «دفاعی» نام برد. در ابتکاری جدید یکی از فقیهان معاصر افزون بر دو مورد مذکور، قسم دیگری بر اقسام جهاد با عنوان «جهاد ذبی» افزوده است (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۶)؛ ایشان معتقد است جهاد و تمامی اقسام آن در زمره مباحث اصلی «فقه مقاومت» قرار دارد و مرتبط‌ترین قسم جهاد با مقاومت «جهاد ذبی» است. آیت‌الله فاضل لنکرانی جهاد ذبی را از ظاهر عبارات فقیهان برداشت نموده و آن را یکی از اقسام جهاد و در مقابل جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قرار داده است. او اعتقاد دارد جهاد ذبی، نظریه‌ای در باب جهاد می‌باشد که به معنای دفاع از موجودیت اسلام و ارزش‌های دینی است. بر اساس این نظریه، جهاد ذبی فقط برای حفظ اسلام است. بنابراین اگر از جانب ستمگری، در هر نقطه‌ای از جهان، ترس نابودی اسلام وجود داشته باشد؛ در این صورت دفاع از کیان اسلام بر همه مسلمانان، واجب عینی است. جهاد ذبی، برخلاف جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، مشروط به هیچ شرطی نیست و اگر کسی در این راه کشته شود، شهید شمرده شده و احکام شهدا بر او جاری می‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵).

در باب «ذب» باید بیان داشت که از ریشه ذَبَّ، در لغت به معنی دفاع و منع (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۰/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۸۰/۱) و طرد (زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۹۱/۱؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲۹۴/۳) آمده است. این واژه ۵ مرتبه در نهج البلاغه در همین معنا بکار رفته است؛ چنانکه علی علیه‌السلام در نبرد صفین به یارانش فرمود «وَ أَيْ أَمْرِي مِنْكُمْ أَحْسَنُ مِنْ نَفْسِي رِبَاطَةً جَاشٍ عِنْدَ اللَّقَاءِ وَ رَأَى مِنْ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ فَشَلًّا فَلْيَذُبُّ عَنْ أُخِيهِ بِفَضْلِ نَجْدَتِهِ الَّتِي فَضَّلَ بِهَا عَلَيْهِ كَمَا يَذُبُّ عَنْ نَفْسِهِ»، یعنی هرکدام از شما که در هنگام نبرد با دشمن احساس قوت قلب کرد و در یکی از برادران (دینی) خود احساس سستی نمود باید با اتکا به نیرویی که خداوند به او عطا کرده از او دفاع نموده و دشمن را براند و چنانکه از خود دفاع می‌نماید. (نهج-البلاغه علی علیه‌السلام، ۱۴۱۴، ۱۴۲). بر مبنای واژه شناسی که بیان گردید، مراد از جهاد ذَبِّي، دفاع از اساس دین در جایی که با خطر نابودی مواجه است، می‌باشد (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۰).

۴-۱ دفاع

دفاع از ریشه فعل ثلاثی مجرد «دَفَعَ» به معانی حمایت، یاری، ازاله، کنار زدن، دفع کردن، دور کردن، رد کردن، منع نمودن و مانند آن بکار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴۵/۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۴۲۷/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۱۶؛ ابن‌اثیر جزری، بی‌تا، ۱۲۴/۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳۲۵/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۱۵/۱). راغب در واژشناسی «فادفعوا» در آیه ۷ سوره مبارکه نساء «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...»، معتقد است که دفع با «الی» متعدی شده معنای «دادن» می‌دهد و در صورتی که با «عن» بیاید معنای حمایت و یاری می‌دهد؛ چنانکه در در آیه ۳۸ سوره مبارکه حج «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» به این معنا آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۱۶؛ قرشی، ۱۴۱۲، ۳۵۰/۲). دفاع مصدر باب مفاعله است که مانند کلماتی که پیش‌تر گذشت حاوی معنای مشارکت است و نمایان‌گر آن است که دفاع زمانی مصداق پیدا می‌کند که دو طرف وجود دارد که یکی در مقام مهاجم و دیگری به عنوان مدافع حضور دارد؛ بنابراین می‌توان آن را به معنی دفع و کنار زدن مهاجم دانست. واژه «دفاع» عموماً در مباحث فقه کیفری یعنی ابواب جهاد و حدود کاربرد دارد. دفاع بر اساس موضوع آن دارای اقسامی است که با تتبع در آرا فقیهان می‌توان بدان دست یافت. چنانکه برخی به طور کلی دو قسم را برای آن احصاء کرده‌اند؛ قسم نخست «دفاع از بیضه الاسلام و به طور کلی سرزمین اسلامی» و قسم دیگر آن «دفاع فرد از خود و آنچه به منزله آن است»، نام برد (مشکینی، بی‌تا، ۲۴۵). مقصود از «آنچه در حکم آن» را باید دفاع از حریم، مال و ناموس دانست (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۶۵۰/۴۱). ذکر این نکته لازم است که بیش‌تر این واژه در مباحث نظامی کاربرد دارد و فقها از آن در باب تبیین یکی از اقسام جهاد یعنی جهاد دفاعی احکام بسیاری بیان نموده‌اند. چنانکه امام خمینی در بیان وجوب دفاع در مقابل دشمنی که به سرزمین اسلامی و مرزهای آن هجوم آورده و به این

سبب ترس از بین بردن اسلام و سرزمین اسلامی می‌رود، بر همه مسلمانان دفاع در مقابل دشمن را واجب دانسته است (امام خمینی، بی‌تا، ۴۸۵/۱). فقیهان در تبیین وجوب دفاع از بیضه الاسلام و دفاع از جان، مال و ناموس، فراوان قلم زده‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱۷۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۳۸۴/۵؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۹/۱۵؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۵۷/۲۸).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس مفروضات معرفت‌شناسی یافته‌ها، از نوع تحقیق «کیفی» بوده و از لحاظ هدف تحقیق نیز «بنیادین» می‌باشد. بر اساس ماهیت پژوهش نیز «توصیفی-تحلیلی» است. ابزار گردآوری داده‌ها بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی در کنار محتوای نرم‌افزارهای علمی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی موسسه نور می‌باشد؛ بدین صورت که بعد از رجوع به منابع مذکور و فیش برداری از آنها، و همچنین بهره‌مندی از دیدگاه اندیشمندان و تحلیل محتوای این دیدگاه‌ها، سعی در پاسخ به سوالات پژوهش می‌شود.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

تامل در مسائل مبتلی به جوامع اسلامی در عصر حاضر به ویژه درگیری‌های طولانی مدت فلسطین و اشغال آن توسط رژیم اسرائیل، توجه به مفهوم مقاومت و حق یا تکلیف‌انگاری آن را بسیار دارای اهمیت می‌نماید. به همین سبب، نوشتار در صدد بازخوانی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت در پرتو منابع و مستندات شرعی است؛ بدین منظور با مراجعه به منابع دست اول اسلامی یعنی آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) و همچنین بنای عقلا، نسبت به این امر اهتمام ورزیده است. همچنین مقاصد شریعت و مذاق شرع انور، بر مشروعیت حق بر مقاومت صحه می‌گذارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد مقاومت بر اساس آیین اسلامی نه تنها یک حق، بلکه به عنوان یک تکلیف شرعی است؛ این امر با وجود تحقق شرایطی همچون در معرض خطر قرار گرفته کیان اسلام و یا اشغال سرزمین‌های اسلامی و اموری مانند آن، آشکار می‌گردد. بدین منظور مدارک و مستندات مقاومت به صورت مبسوط مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ادله و مستندات حق بر مقاومت

مبحث اصلی تحقیق، شناسایی ادله‌ای است که به استناد آن می‌توان قائل به مشروعیت مقاومت و حق دانستن آن شد. به نظر می‌رسد برای اثبات مشروعیت مقاومت در منابع استنباط احکام اسلامی، باید در پی مستندات بود که اشاره به لزوم دفاع از کیان اسلام و توابعش دارد، پرداخت. این از آن جهت است که

نگاهی به آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد آنچه موجب اضمحلال و نابودی دین است باید در مقابل آن ایستادگی کرد و با تمام بنیه برای از بین بردن آن تلاش نمود. از این رو باید اذعان داشت تمام ادله‌ای که مبین وجوب دفاع از دین و استقامت و پایداری در مقابل دشمنان وارد شده، را می‌توان برای این مسئله مورد اشاره قرار داد. با توجه به اینکه ذکر کامل و بی نقص آن نیاز به تحقیقی فرای پژوهش حاضر داشته و افزون بر آن انجام مدقانه آن نیاز به اجتهاد و قلم پربار فقیهان معظم دارد، تنها سعی می‌گردد مرتبط‌ترین مستندات مورد بررسی قرار گیرد و در حد وسع نگارندگان به تحلیل آنها پرداخته شود. در ادامه به شرح برخی از این مستندات می‌پردازیم.

۱-۲-۲ آیات قرآن

در آیات متعددی می‌توان امر به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و کسانی که به سرزمین‌های اسلامی بیم تعرض آنها می‌رود را می‌توان دید. پس از اشاره به برخی از این آیات، به این نکته اشاره خواهیم نمود که شارع متعال مقاومت را در برخی از موارد مانند زمانی که کيان دین در خطر است، نه تنها حق بلکه به عنوان تکلیف قرار داده است؛ مستفاد از این بیان شارع آن است که، مقاومت در شمار احکام مولوی شرعی قرار داد.

۱-۲-۱ آیه ۷۵ نساء

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»، یعنی: «چگونه است که در راه خدا و (برای نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف پیکار نمی‌کنید؛ آن کسانی که می‌گویند بارالها! ما را از این شهر (مکه) که مردمانش ستمکارند خارج کن و برای ما از جانب خود ولی و رهبری قرار ده و برای ما یابوری از نزد خودت تعیین بفرما.» شأن نزول آیه، آزار و اذیت عده‌ای از مسلمانان که پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه از همراهی او بازماندند، می‌باشد. این آزار به حدی رسید که ایشان به طور مداوم از خداوند طلب رفع این گرفتاری‌ها و رنج‌ها را داشتند؛ در اثنای همین درخواست‌ها آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء نازل شد و عموم مسلمانان از مهاجر تا انصار را به دفاع از مسلمانان مستضعف مکه، فراخواند. محمد بن عمر رازی عبارت «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ» را حمل بر وجوب جهاد نموده است (رازی، ۱۴۲۰، ۱۴۱/۱). دیگر مفسران نیز معنای وجوب جهاد را از این آیه برداشت نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۱۶/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۱۹/۴ و ۴۲۰). برخی از مفسران نیز به صراحت اذعان داشته‌اند که جهاد و دفاع از «الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» که در آیه آمده و عطف به «فِي

سَبِيلِ اللَّهِ» شده است، یکی از مظاهر و مصادیق بارز سبیل الله است (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۷۰/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۱۹/۴)؛ بر این اساس می‌توان بیان داشت آیه شریفه با گسترش دامنه جهاد مفهوم «ذب» و دفاع از مسلمانان را در کنار دفاع از اساس دین قرار داده و آن را به عنوان یک عمل واجب برای مسلمانان شناسایی کرده است. طبرسی در مجمع البیان و علامه طباطبایی در المیزان به این مهم اشاره نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۱۷/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۱۹/۴). بنابراین در اثبات مدعا یعنی وجود دفاع به عنوان یکی از مظاهر مقاومت بر مبنای آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء امری مبرهن است.

۱-۲-۲ آیات ۲۵۰ و ۲۵۱ بقره

آیات مزبور در واقعه مربوط به طالوت و جالوت نازل شده است، خداوند در آیات مزبور خطاب به مؤمنان گوشزد می‌نماید که چنانچه مفسدان را بوسیله افراد صالح دفع نمی‌نمود، آنان با حاکمیت در زمین به فساد در آن و نابود کردن نسل‌ها و به تبع آن صالحین می‌پرداختند؛ اما خداوند فساد مفسدان را با یاری دادن انسان‌های صالح و استقامت و شکیبایی ایشان دفع نموده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». بر این اساس باید جهاد و مقاومت را دو بازوی خداوند در زمین برای دفع فساد مفسدان به وسیله مومنان دانست. در آرائی مفسران نیز در باره «وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...»، نیز تحلیلی که گذشت به چشم می‌خورد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۲۱/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۳۴۹/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۲۲۷/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۹۶/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱۵۲/۱). با توجه به آنکه فساد مفسدان در بسیاری از اوقات می‌تواند موجب تضعیف جایگاه شعائر دینی گردد، بی‌تردید مقاومت در برابر آنان و دفاع از شعائر از ملزوماتی است که از آیه استنباط می‌گردد؛ قیام امام حسین (ع) در مقابل فساد یزید که احکام و شعائر دینی را بازیچه اغراض خود قرار داده بود، نمونه بارز از استدلال مزبور است.

۱-۲-۳ آیه ۱۹۳ بقره

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...» (بقره: ۱۹۳). یعنی «با کافران به قتال بپردازید تا آنگاه که فتنه و شرک از [روی زمین] محو شود و تنها دین خداوند حاکم گردد». در معنای «فتنه» در آیه مفسران آن را در اصطلاح قرآنی «کفر و شرک» معنا کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ۱۱۳/۲؛ جصاص، ۱۴۰۵، ۳۲۴/۱). در درستی این تعبیر از «فتنه» در آیه می‌توان به عبارت «يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» اشاره نمود، چه این بخش از آیه قرینه مقابله است بر آن که فرجام قتال و مبارزه با فتنه، از بین رفتن کفر است. این دستور به قتال از آن روست که دفاع از ساحت دین نیازمند مقابله با کفر و شرک به خداوند است و با فقدان ذب از دین و استیلای شرک، چه بسا زمینه‌های نابودی دین فراهم آید. برخی از مفسران معاصر در تفسیر آیه

موردنظر بیان نموده‌اند که مطابق با آنکه آیه درصدد تشریح وجوب مقاتله و دفاع در مقابل کسانی است که متعرض کیان دین شده‌اند؛ چنانچه کسی معتقد به این باشد که از آیه جهاد ابتدایی استظهار می‌گردد؛ در پاسخ باید اذعان داشت، اولاً جهاد ابتدایی در آیه به مثابه جهاد دفاعی است و تقسیم جهاد به دفاعی و ابتدایی بر مبنای نوع هجوم دشمن می‌باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳، ۲۳ و ۲۵). بر این بنیاد، هدف از جهاد و پیکار در اسلام، کشورگشایی و خون‌ریزی نبوده، بلکه این مهم به منظور مقابله با انحرافات است که ساحت دین را در معرض خطر قرار می‌دهد. همین بر حقانیت مقاومت در راه حفاظت از کیان اسلامی است و آن را در نظر شرع انور مشروع و بلکه لازم می‌نماید.

۱-۲-۴ آیه ۴۰ حج

«الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَا دُفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰). یعنی «کسانی که به ناحق از دیارشان رانده شدند، جز آن‌که می‌گفتند پروردگار ما خداوند [یکتا] است، و چنانچه خداوند [شر] بعضی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، بی‌شک [بسیاری از] صوامع و کلیساها، کنش‌ها و مساجدی که ذکر اسم خداوند فراوان در آن‌ها صورت می‌گیرد نابود می‌شد؛ و خداوند به یاری کسانی می‌پردازد که [دین] او را یاری می‌نمایند، همانا خداوند شکست‌ناپذیر و عزیز است.» شأن نزول آیه مربوط به مرحله تازه‌ای از رویارویی مسلمانان مظلوم نخستین است که به دلیل تبری از کفر و شرک و ایمان به خداوند متعال از مکه اخراج شدند؛ حتی کفار، مسلمانان را آن‌قدر آزار و اذیت می‌نمودند که ایشان از شدت شکنجه‌ها و رنج وارده مجبور به ترک دیارشان می‌شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۸۴/۱۴). آیه مذکور که آن را به عنوان اولین آیه در باب جهاد بیان نموده‌اند (واحدی، ۱۴۱۵، ۷۳۵/۲)، به دلالت التزامی و یا مفهوم اولویت بر لزوم دفاع از بیضه الاسلام (کیان دین) اشاره دارد و افزون بر آن، وجوب دفع ستمگران و دور نمودن آنان از آزار مسلمانان را می‌رساند. استظهار از آیه و تفاسیر می‌توان اذعان کرد، دفاع و مقابله با دشمنان دین و کسانی که مسلمانان مقاوم را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند از اوامر شرعی مولوی است که توسط شارع مقدس تشریع شده است.

۱-۲-۵ آیه ۳۰ فصلت

متن آیه به این شرح است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰). یعنی «همانا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و بر این گفته خود استقامت کرده [ایستادند] بر ایشان ملائکه نازل شده و [بشارت می‌دهند] نترسید و

اندوهگین نشوید و بشارت باد شما را به بهشتی که [انبیاء الهی] وعده دادند.» واژه «استقاموا» را لغت شناسان به صورت‌های مختلف تفسیر شده است؛ چنانکه برخی آن را به معنی «اعتدال در امر» و ملازم با وسط راه حرکت کردن، دانسته‌اند (سعدی، ۱۴۰۸، ۳۰۹؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴۵/۶) و برخی معنی «طریقی که صورت خط مستقیم ترسیم شده» معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۹۲). در تفاسیر وارده نیز معانی از این دست به چشم می‌خورد (طوسی، بی‌تا، ۱۲۳/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۸۹/۱۷). این واژه و مشتقات آن ۴۷ مرتبه در قرآن کریم استعمال شده است. رهبرانقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اشاره به آیه مذکور از واژه «استقاموا» به بیان دو تفسیر پرداخته‌اند؛ یکی اینکه راه مقابله با حزن و خوف، استقامت و پایداری است و دیگری، برای انقلابی ماندن و تقوای الهی داشتن باید در برابر وسوس و شیطانی، شهوت و مناصب به وسیله مراقبه و تقوای الهی استقامت نمود. براین سامان، باید استقامت و ایستادگی در مسیر حق و ایمان را به عنوان شاکله اصلی یک مسلمان در جهت دفاع از عقاید برشمرد؛ به عبارتی ارزش و اعتبار استقامت در معیت ایمان است و آلاً به تنهایی فاقد ارزش می‌باشد. آیه شریفه ۱۳ سوره مبارکه احقاف «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، مشابه با آیه ۳۰ فصلت می‌باشد؛ به همین منظور از بیان آن صرف‌نظر می‌کنیم. در تحلیل دو آیه مورد نظر با بهره‌مندی از بیانات رهبری معظم انقلاب اسلامی باید بیان داشت راه مقابله ناملازمات در مسیر حق و دفاع از مستضعفان و اساس دین الهی، استقامت و تقوای الهی است.

۱-۲-۶ آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ هود

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (۱۱۲) وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)، ترجمه این دو آیه به این صورت است که: «پس آن گونه که مامور شده‌ای [و فرمان یافته‌ای] استقامت پیشه کن و کسانی که با تو [در این مسیر] همراه‌اند [باید استقامت کنند] و [نسبت به حدود الهی] طغیان و سرکشی نکنید، زیرا خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست * و هرگز به آنانکه ظلم می‌کنند تکیه نکنید [و با ایشان دست دوستی ندهید]، زیرا آتش [که کیفر آنان است] شما را [نیز] فرا می‌گیرد و جز خداوند برای شما [در آن وضعیت] ولی و سرپرستی نیست و [این باعث می‌شود] هیچ یآوری نداشته باشید [چون به کسی غیر از خداوند اتکا نموده‌اید]». آیات مورد نظر اشاره به لزوم استقامت و شناسایی آن به عنوان یک حکم مولوی شرعی دارد. علامه طباطبایی در تفسیر «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» با اشاره به مفهوم شناسی راغب اصفهانی از «فاستقم» و اینکه

واژه‌های قام، تَبَّتْ و رَكَزَ در یک معنا بکار رفته‌اند، بیان می‌دارد که مراد از این بخش از آیه این است که بر دین مطابق با دستوراتی که به وسیله وحی دریافت نموده‌ای ثابت باش و استقامت کن؛ ایشان مقصود از دستور را آیاتی از قبیل «وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یونس: ۱۰۵) و دیگر آیات مشابه مانند آیه ۳۰ سوره مبارکه روم دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۷/۱۱). مراد از آیه ۱۰۵ یونس آن است که بر آیین یکتاپرستی [استوار] باش و هرگز به سمت آیین مشرکان که پرستش غیر خداوند یگانه است، نرو. شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه مقصود از عبارت «وَلَا تَطْغَوْا» را عدم سرکشی از استقامت می‌داند و در تفهیم استقامت در آیه اشاره می‌کند که مراد از آن هر چیزی است که به خداوند و رسولش برمی‌گردد (شیخ طوسی، بی‌تا، ۷۷/۶). بنابراین استقامت و پایداری برای حفظ ارزش‌ها و دفاع از دین موجب می‌شود که غیر از خداوند را به عنوان تکیه‌گاه در جهت زدودن خوف و ناملایمات گرفته نشود. چه‌بسا اتکاء به ستمکاران و پشت گرمی به آنان را در شمار مظاهر کفر و خروج از دین قرار داد، زیرا در این حالت شخص از محدوده دستورات الهی خارج شده و برای رسیدن به خواسته‌هایش از دستور الهی که استقامت است بیرون رفته است. به عبارتی از آیه، لزوم دفاع از اساس دین و استقامت در امثال دستورات الهی که از سیل وحی وارد شده است، استفهام می‌شود؛ چه عدم اهتمام به این مهم ممکن است موجب اضمحلال دین شود و رفته رفته بی‌توجهی به اتیان اوامر الهی تبدیل به یک امر عادی شود.

۱-۲-۷ سایر آیات مرتبط

با توجه فراوانی آیاتی که می‌توان از آن‌ها در جهت رسیدن به هدف مورد نظر یعنی شناسایی آیات متناسب با حق بر مقاومت استفاده نمود، به تفسیر موارد فوق‌الذکر اکثفا نموده و در این مبحث به تعداد دیگری از آیات مورد نظر اشاره می‌نماییم. از دیگر آیاتی که به عنوان ادله استنباط «حق بر مقاومت» قابل شناسایی هستند می‌توان به آیات ۱۶ جن، ۸ انفال، ۱۴ ابراهیم، ۱۵۲ و ۱۸۶ و ۲۰۰ آل عمران، ۱۱۰ نحل، ۱۷ لقمان، ۴ ممتحنه و مانند آن اشاره نمود. این آیات و بیشتر را می‌توان با اشاره به تفاسیر و تحلیل هر کدام، به عنوان مستند حق بر مقاومت قرار داد.

۱-۲-۸ جمع‌بندی آیات

با تأمل در آنچه که گذشت، می‌توان بر بنیاد آیات به این نتیجه نائل آمد که آنچه دلالت بر جهاد چه دفاعی و چه ابتدایی دارد، اولاً می‌توان آن‌ها را در قالب وسیع‌تری به نام «جهاد ذبی»، قرار داد؛ چه آن آیات درصدد بیان وظیفه امت اسلامی در حفظ کیان دین است؛ این مفهوم گاه در قالب سرزمین اسلامی تعریف می‌گردد و گاه نیز به دیگر شئون که تزلزل در آن و عدم مقاومت برای آن منتج به اضمحلال و از بین

رفتن تدریجی دین می‌شود، برمی‌گردد. در بیان مقصود از شئون دیگر می‌توان به نمونه‌هایی مانند دفاع از مستضعفین و مقابله با مستکبران اشاره نمود؛ چنان‌که دفاع از فلسطین اشغالی در این قسم می‌گنجد و علاوه بر آن شامل دفاع از بخشی از سرزمین اسلامی که توسط دشمن غاصب مورد تجاوز واقع شده نیز می‌گردد. بنابراین بسیاری از شئون دفاع از بیضة الاسلام را می‌توان در مسئله فلسطین یافت. بر این سامان باید اذعان نمود فقه مقاومت و به عبارتی «حق بر مقاومت» در صدد بیان آن است که باید هر جا نسبت به «اساس دین» احساس خطر شود، برای رفع آن استقامت نمود و این استقامت گاه در قالب عملیات‌های نظامی، فرهنگی، رسانه‌ای، اقدامات مقاومتی منفی از قبیل تحریم محصولات دشمن و آنچه مربوط به دشمن است، تعریف می‌گردد. احساس خطر نسبت به کیان دین نیز در قالب‌های مختلفی از جمله اشغال بخشی از سرزمین اسلامی، آزار و اذیت مسلمانان و مستضعفان عالم، خوف تسلط کفر بر سرزمین اسلامی و مانند آن نمود پیدا می‌کند.

۱-۳ روایات

تتبع در روایات برای یافتن ادله‌ای در مشروعیت حق بر مقاومت مشخص می‌نماید که می‌توان در این باب احادیث را در چند دسته قرار داد؛ برخی از روایات مبین لزوم دفاع از مسلمانی که مظلوم واقع شده هستند و عدم ترتیب اثر دادن به آن را با عبارت «فلیس من المسلمین» قرار داده‌اند؛ با تمسک به این دسته روایات می‌توان لزوم ذب از مسلمان مظلوم را یک حکم مولوی شرعی قرار داد. برخی دیگر از روایات مانند خطبه امام حسین (ع) در منطقه «بیضه» برای لشکریان خود و حر بن یزد ریاحی ایراد نمودند، نشان‌گر لزوم دفاع از اساس دین و مقابله با حاکم جائر و ستمکار است؛ از این دسته روایات نیز به قیاس اولویت که جواز آن مورد اجماع فقیهان امامیه قرار دارد، می‌توان به شناسایی مشروعیت «حق بر مقاومت» دست یافت. در ادامه ابتدا به روایات مرتبط با دسته نخست و پس از آن به روایات دسته دیگر اشاره می‌نماییم.

۱-۳-۱ روایات لزوم دفاع از مظلوم

در روایاتی که کلینی با عنوان لزوم اهتمام به امور مسلمانان (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۱۷/۳) و حرّعاملی با عنوان «بَابُ وَجوبِ الْإِهْتِمَامِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ» از آن یاد کرده (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۶/۱۶) که نشان دهنده فتوای وی به این امر است، چند روایت با مضامین یکسان مشاهده می‌گردد. یک روایت به این صورت است که علی بن ابراهیم از پدرش از او از نوفلی، او از سکونی و او از امام صادق (ع) روایت می‌کند که حضرت فرمود: «هرکس صبح کند [کنایه از اینکه در طول شبانه روز] و به امور مسلمانان وقعی نهد، پس مسلمان

نیست.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴۱۷) چنانکه پیداست این روایت دربردارنده وجوب یاری مسلمانان را می‌رساند. کلینی قریب به همین روایت را با سلسله سندی متفاوت از محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از ابن محبوب از محمد بن قاسمی هاشمی و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «هرکه به امور مسلمین همت نگمارد، مسلمان نیست»^۲ (همو، ۴۱۸/۳). روایاتی با مضامین دو روایت فوق در الکافی و وسائل الشیعه به چشم می‌خورد که افزون بر جملات مذکور، عبارات دیگری نیز را نیز به همراه دارد؛ چنانکه سلیمان به سماعه از عمویش عاصم کوزی نقل می‌کند که امام صادق از قول پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرکه صبح کند و به امور مسلمانان وقعی نگذارد از آنان نیست و هر کس صدای مردی را بشنود که فریاد کشد [ای] مسلمانان به فریادم برسید و او را [برای کمک رسانی بدو] اجابت ننماید، پس در جرگه مسلمانان قرار ندارد.» (کلینی، ۱۴۲۹، ۳۱۹/۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱۷۵/۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۷/۱۶) همین روایت را با اندکی تفاوت و با سندی متفاوت محدث نوری از پیامبر نقل می‌کند و تنها به جای «سَمِعَ رَجُلًا» از عبارت «شَهِدَ رَجُلًا یُنَادِی»^۴ (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۸۳/۱۲) بکار رفته است. با توجه به رویه حرعاملی که روایات را به ترتیب بر مبنای صحیح یا غیر صحیح بودن سند آن ذکر می‌کند و همچنین به سبب تعدد روایات مرتبط در این باب و شیوایی و بلاغت موجود در کلام منقول از قول معصوم (ع)، به نظر می‌رسد به بررسی سندی آن احتیاجی نیست. صاحب جواهر از روایات این مبحث در باب وجوب دفاع بحث نموده است (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۱۸/۲۱). وی معتقد است دفاع از اساس اسلام و جامعه اسلامی در برابر هجوم دشمن در زمان غیبت به منزله جهاد محسوب شده و در این زمینه این فقیه نامدار به اطلاق ادله استناد جسته است. «ظاهر غیر واحد کون الدفاع عن بیضة الاسلام مع هجوم العدو فی زمن الغیبة من الجهاد لاطلاق الأدلة» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۱۹). ظاهر ادله متعددی (از کتاب و سنت) دلالت بر این امر دارند که در عصر غیبت دفاع از کیان اسلام در زمانی که دشمنان به سرزمین‌های اسلامی هجوم آورده‌اند، در زمره جهاد محسوب می‌شود؛ زیرا مستندات باب از این جهت اطلاق دارند. همچنین وی در این زمینه چنین دیدگاه خود را اظهار داشته است: «اگر کفار درصدد باشند با تجاوز

^۱ «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

^۲ «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

^۳ «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي: يَا لَلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يَجِبْهُ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

^۴ «أَخْبَرَنَا اللَّهُ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

به بلاد مسلمانان، اسلام را محو کرده و شعائر دینی را نابود کنند که نامی از شریعت اسلام باقی نماند، در این فرض هیچ شبهه‌ای در وجوب جهاد وجود نخواهد داشت» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۴۷).

۱-۳-۲ روایات لزوم دفاع از بیضه الاسلام

قرار دادن عاشورا و نهضت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به عنوان مظهر حق خواهی برپایه مقاومت، امر دور از انتظاری نیست؛ چه این اقدام امام (ع) پس از آن روی داد که حاکم جائز وقت یعنی یزید بن معاویه (علیه الهاویه) سعی در دگرگون ساختن و از بین بردن اسلام ناب محمدی (ص) داشت. برخی از فقیهان معاصر نیز تنها راه توجیه فقهی حرکت و قیام امام حسین (ع) را بر پایه مقاومت و استناد به جهاد ذبی که در ذیل فقه المقاومة قرار می گیرد، قابل بررسی می داند. برای اثبات مدعا می توان به سراغ روایت طبری به نقل از ابی مخنف رفت که به بیان خطبه حضرت ابا عبدالله (ع) برای لشکریان خود و فرمانده لشکر شام حر بن یزید ریاحی می پردازد. امام (ع) بعد از حمد و ستایش خداوند و رسولش (ص) به نقل روایتی از پیامبر می پردازد که فرمود: «از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هرآنکه سلطان ستمکاری را ببیند که حرام الهی را حلال می کند و به نقض عهد الهی و مخالفت با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در بین بندگان خدا به تجاوزگری و (ترویج) گناه و عدوان می پردازد، سپس در مقابل او اقدام (به قیام کند) یا سخنی نگوید، خداوند او را در مکانی داخل کند (یعنی آتش جهنم) که شایسته آن است، [خطاب امام به تمامی حاضرین در منطقه بیضه در معرفی بنی امیه] تحقیقاً آگاه باشید که این قوم (یعنی بنی امیه)، به اطاعت از شیطان پایبندند و و از اطاعت خداوند رحمان روی گردانند، فساد را آشکار کرده و حدود الهی را تعطیل نموده اند و بیت المال مسلمین را به انحصار خود درآورده اند و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام نموده اند.» سپس امام (ع) با معرفی خود به این صورت می پردازد: «فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ، فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ...» پس از آن امام خود را سزاوارترین افراد به جهت قربایت با رسول الله (ص) برای تغییر اوضاع معرفی می نماید «وَأِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقُرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ». با تدقیق در روایت و تنقیح مناط دلیل قیام امام حسین (ع) برای دفاع از کیان اسلام همراه با خانواده اعم از زن و کودک، روشن می گردد که دلیل آن در خطر دیدن کیان و اساس دین

^۱<https://fazellankarani.com/persian/lecture/۲۵۳۱۰/>

^۲ «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَغْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ وَقد عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قد كَرَّمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ تَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَلُوا الْخُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْقِيَّةِ وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا حَلَالَه» (طبری، ۱۳۸۷، ۴۰۳/۵).

جدش رسول الله (ص) بوده است. به عبارتی قیام امام حسین را می‌توان مظهر حق بر مقاومت دانست؛ چنانکه امام (ع) قیام و ذب عن الاسلام را به سبب وجود خطر نابودی کیان دین بر خود واجب دید و همراه با زن و کودک برای دفاع از دین به پا خواست. لذا مبنای نهضت عاشورا محافظت از اسلام در مقابل فتنه‌ها و بدعت‌هایی که توسط حکومت یزید ایجاد گشته بود صورت گرفت (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۳)؛ و منظور از عبارت امام (ع) که هدف قیامش را امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند، در معنایی که در ابواب فقهی به صورت جزئی بحث شده است، نیست بلکه مراد «اصل دین» است، چه هیچ معروفی بزرگ‌تر از «احیای دین» و هیچ منکری بالاتر از «نابودی آن» نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴، ص ۷-۱۰). فقیهان نیز به مضمون این روایت در وجوب مطلق جهاد دفاعی استناد داده‌اند (متظری، ۱۴۰۹، ۱۲۱/۱). برخی نیز در بررسی بعد سیاسی حج با اشاره به مضمون روایت فوق و رها کردن اعمال حج توسط امام حسین (ع) به منظور هدفی بزرگ‌تر یعنی جلوگیری از نابودی اساس دین، با ایستادگی در مقابل حاکم جائز، و انزجار از آنها توسط امام (ع) مورد بررسی قرار داده‌اند (جوادی‌آملی، ۱۴۰۴، ۱۶۴).

۱-۳-۳ بنای عقلا

مقصود از بنای عقلاء عبارت است از سلوک و روش عملی عقلای عالم بر انجام یا عدم انجام امری بدون دخالت و تأثیرگذاری عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و سایر عوامل است (مظفر، ۱۳۸۵، ۱۵۳/۲). به عبارتی، مراد از آن سیره‌ای است که منشأ آن فطرت و ارتکاز انسان‌ها فارغ از مبادی دیگر باشد (نائینی، ۱۳۷۶، ۱۹۲/۳؛ عراقی، ۱۴۱۷، ۲۴۱/۴). با توجه به این تعریف، استناد به بنای عقلا به عنوان یک مبنا در جهت مشروعیت حق بر مقاومت امری بدیهی است؛ چه عقلای عالم فطرتاً فارغ از مسلمان و غیرمسلمان بر لزوم استقامت در برابر اشغالگران، ستمکاران و هر آنچه موجب استضعاف می‌گردد، صحه می‌گذارند؛ در اثبات این مدعا می‌توان به انزجار عموم مردم آزاده جهان فارغ از هر آیینی نسبت به اقدامات غاصبانه و ددمنشانه اسرائیل و حمایت از مردم ستم‌دیده فلسطین اشاره کرد.

۱-۴ مقاصد و مذاق شریعت

منظور از «مقاصد شریعت»، اهداف و فوایدی است که به طور کلی از وضع شریعت و به صورت جزئی‌تر از وضع احکام مورد انتظار می‌باشد (فاسی، ۱۹۹۳، ۷). به بیانی دیگر مقاصد شریعت غایباتی است که احکام شریعت با هدف تحقق آن‌ها وضع شده است؛ لذا مقاصد شریعت، تجسم مراد و هدف خداوند از تکالیفی است که متوجه بندگان خود کرده است؛ از این رو این مقاصد به مثابه میوه درخت شریعت‌اند

(مرادی، ۱۳۸۵، ۵). هرچند در خود عنوان «مقاصد شریعت» و به عبارتی در چیستی و حجیت آن در فقه امامیه سخن بسیار است (ایازی، ۱۳۸۹، ۳۵)؛ و ظاهراً پیشینه این اصطلاح و به کارگیری آن به فقه عامّه باز می‌گردد (غزالی، ۱۱۱۹، ۲۸۶/۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۲۵/۲)، لکن پیش‌فرض نوشتار حاضر این است که در پرتو کشف و استخراج و عنایت به مقاصد شریعت می‌توان حکم بسیاری از مسائل فقهی را به دست آورد و به عنوان یک میزان، احکام شرعی موجود در شریعت را بدان عرضه نموده و حجیت آن‌ها را با محک مقاصد شریعت مورد ارزیابی قرار داد؛ همچنان‌که فقیهان امامی نیز هر چند عین این اصطلاح را به کار نبرده‌اند، اما برخی از ایشان بدین مفهوم توجه داشته و در استنباط احکام آن را به کار گرفته‌اند (شوشتری و ناصری‌مقدم، ۱۳۹۴، ۱۰۲؛ وکیل‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۱۲). از نگاه برخی از اندیشوران، مقاصد یا مصالح ضروری در احکام شرعی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: نفس، دین، عقل، نسل و مال است (غزالی، ۱۱۱۹، ۱۷۴/۱). آن‌گونه که پیش‌تر اشاره نمودیم «ذَبَّ عَنِ الْإِسْلَام» یکی از مهم‌ترین مظاهر فقه مقاومت بوده که هدف آن حفاظت از کيان دین است. بر این سامان حق بر مقاومت به منظور ممانعت از نابودی دین آنچنانکه از آیات و روایات که پیش‌تر گذشت برمی‌آید مهم‌ترین و بالاترین مقصد شریعت بوده، آنطور که اباعبدالله الحسین (ع) بدین منظور همراه اعضای خانواده‌اش با نیمه رها کردن اعمال حجّ به سوی دفاع از دین خدا و مقابله با کسانی رفت که درصدد از بین بردن دین بودند.

مقصود از «مذاق شریعت»، به آگاهی از راه و روش‌های شارع به وسیله حسّ گفته می‌شود؛ به عبارتی عبارت از کشف و دست‌یابی به شیوه قانون‌گذاری شرع انور و سنجش فتاوی با آن است (علیشاهی قلعه-جوقی و ناصری‌مقدم، ۱۳۹۰، ۱۸۷). مذاق شریعت در اصطلاح به سبک و سیاق شارع در جعل احکام گفته می‌شود که فقیه با پی‌بردن به آن، توانایی فهم و درک حکم شرعی را پیدا می‌کند؛ زیرا این حکم را با روش شارع در آن باب و یا ابواب گوناگون سازگار می‌بیند. فقیهان از دیرباز برای روش، سبک و عادات شارع در جعل احکام ارزش فراوانی قائل بوده و فتاوی خود را با آن سنجیده‌اند؛ تا آن‌جا که اگر ادله‌ای، حکمی خاص را برتاییده‌اند، ولی ایشان آن حکم را با مذاق شریعت ناسازگار دانسته‌اند، از آن ادله روی برگردانده و به حکم سازگار با روش شارع گرویده‌اند (علیشاهی، ۱۳۹۰، ۴۰). با توجه به آنکه شارع مقدس در بسیاری از آیات به لزوم مجاهده برای خارج نمودن مسلمانانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند فرمان داده (نساء: ۷۵) و یا به دلایل گوناگون که در آیات قرآن فراوان به چشم می‌خورد حکم به جهاد و دفاع داده است، با تنقیح مناط اصولی یا قیاس اولویت می‌توان مشروعیت حق بر دفاع را از مواردی دانست که با مذاق شارع مقدس سازگار بوده و قابل اثبات است.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر آنچه گذشت، در منابع استنباط احکام شرعی به ویژه قرآن، فراوان می‌توان انگاره‌های روشنی از حق بر مقاومت را رؤیت نمود؛ چنان‌که از مصادیقی همچون وجوب دفاع از مسلمانانی که مورد ظلم مشرکان مکه واقع شدند یا لزوم استقامت و پایداری در برابر مفسدان و مستکبران و مقاتله با آنها، این معنا قابل استنباط است. همچنین با تنقیح مناط اصولی می‌توان دلیل این دستور را آن‌گونه که از آیه ۲۵۰ و ۲۵۱ سوره مبارکه بقره و دیگر آیات استظهار می‌گردد، به فساد کشیدن سرزمین‌های اسلامی و از بین بردن حرث و نسل مسلمانان و در نهایت نابود ساختن دین توسط مشرکان و ظالمان دانست. شاهد عینی مدعای پژوهش قیام امام حسین در مقابل حاکم جائز آن زمان یعنی یزید می‌باشد. اهمیت این بحث نیز از نیمه تمام رها کردن اعمال حج توسط امام (ع) برای مقابله با یزید و حرکت همراه با اهل و عیال قابل ادراک است؛ چه این حرکت به اهمیت مقاومت در برابر جائز و کسی که در صدد ضربه زدن به اساس دین می‌باشد، می‌پردازد. افزون بر این مقاصد شریعت با توجه به احکام و تکالیف کلی و جزئی که توسط شارع مقدس وضع شده، با حق مقاومت برای حفظ اساس دین و ممانعت از نابودی آن سازگار بوده و می‌توان برای حجیت آن بدان تمسک نمود. همچنین مذاق شریعت که همان سیاق شارع در جعل احکام بوده و فقیه با شناسایی آن به درک حکم شرع پی می‌برد، مؤید آن است که حق پنداشتن مقاومت با توجه به آنکه در بسیاری از احکام مولوی شرعی که از شارع صادر شده به قیاس اولویت مشروع و سازگار با طبع و مذاق شریعت می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دار الکتاب العربی - لبنان.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸)، *احکام القرآن*، بیروت: دار الجیل.
- احمد بن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۶)، *ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بهشتی، سیدمحمد حسینی (۱۳۸۶ش)، *حق و باطل از دیدگاه قرآن* (به انضمام «تسلیم حق بودن»)، تهران: نشر بقیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵)، *احکام القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۴۰۴)، *خمس رسائل*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دار العلم للملایین.
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۵)، «ابتنای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین‌المللی در قبال آن»، **مطالعات حقوق عمومی**، ۴۶ (۴)، صص ۸۵۴-۸۲۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسینی خواه، سیدجواد و خسروی، محمد (۱۴۰۱)، «نظریه جهاد ذبی در اندیشه آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی و نسبت آن با فقه مقاومت»، **مطالعات فقه سیاست**، ۲ (۴)، صص ۸۷-۱۰۴.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- خویی، سید ابو القاسم (بی تا)، **مصباح الفقاهة**، بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، **مفردات ألفاظ القرآن**، لبنان-سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۵)، **فقه القرآن**، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- زبیدی، سید محمد (۱۴۱۴)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، بیروت: دار الکتاب العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷)، **الفائق فی غریب الحدیث**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سبزواری، سید عبد‌الأعلی (۱۴۱۳)، **مهذب الأحکام**، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه‌الله.
- سعدی، ابو جیب (۱۴۰۸)، **القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا**، دمشق: دارالفکر.

- سیدرضی، محمد (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه علی علیه السلام*، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۲)، *الموافقات فی أصول الشریعة*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شوشتری، مهدی؛ ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۴)، «کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه»، *پژوهش نامه امامیه*، ۱، صص ۹۹-۱۱۴.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتاب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷)، *نهاية الافکار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و ناصری مقدم، حسین، «چیستی و کارکردهای مذاق شرع»، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ۴۳ (۱) (۸۶)، صص ۱۵۷-۱۹۳.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط*

- احکام فقهی، قم: موسسه بوستان کتاب.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *المستصفی فی علم الأصول*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - فاسی، علال (۱۹۹۳م)، *مقاصد الشریعۃ الاسلامیة و مکارمها*، بیروت: دار الغرب اسلامی.
 - فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۴)، *جهاد دینی (دفاع از کیان اسلام)*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
 - فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
 - فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی.
 - قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
 - کاشف الغطاء نجفی، هادی بن عباس (۱۴۲۳)، *هدی المتقین إلی شریعۃ سید المرسلین*، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
 - کیان‌خواه، احسان (۱۳۹۹)، «تبیین شمول و کاربرد قاعده فقهی نفی سبیل بر گسترش فضای سایبری»، *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰ (۴۰)، صص ۳۸۵-۴۱۴.
 - محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
 - محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 - مرادی، مجید (۱۳۸۵)، *جغرافیای مقاصد شریعت*، پگاه حوزه، ۲۰۰.
 - مشکینی، میرزا علی (بی تا)، *مصطلحات الفقه*، بی جا: بی نا.
 - مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و

النشر.

- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول فقه*، قم: انتشارات دار الفکر.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹)، *دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية*، قم: نشر تفکر.
- میرقادری، سیدفضل‌الله؛ کیانی، حسین (۱۳۹۱)، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، *مطالعات دینی متون اسلامی*، ۱ (۱) (۱)، صص ۶۹-۹۷.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *فوائد الاصول*، بی‌جا: بی‌نا.
- نجفی اصفهانی، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نوریان، مهدی؛ سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، «اعتبار امنیت در سیاست‌گذاری عمومی حقوق جزایی اسلام»، *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۹ (۳۵)، صص ۲۸۷-۳۱۰.
- همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۲۰)، *حاشیه کتاب المکاسب*، قم: چاپخانه ستاره.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵)، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دار القلم.
- وکیل زاده، رحیم (۱۳۸۸)، «مقاصد شریعت از دیدگاه شیخ محمد جواد مغنیه»، *پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی*، ۱۶، صص ۱۵۶-۱۳۹.

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۵ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>